

# معلم

## و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان

چرا بعضی از کودکان با هوش و استعداد قدرت  
خلاقه خود را پنهان می‌دارند؟

آیا به این بهانه که کودکان تیز هوش لازم  
است بیشتر به فعالیت‌های ذهنی بپردازند می-  
توان آنان را از انجام مسئولیت‌هایی که به عهده  
سایر دانش‌آموزان گذارده می‌شود معاف کرد؟

برخلاف آنچه گمان می‌رود دانش‌آموز متوسط  
وجود ندارد و هرگز نباید به گروهی از کودکان  
که بطور قطع از نظر زمینه‌های جسمی و ذهنی  
نسبت به هم متفاوتند برجسب شاگردان متوسط  
را الصاق نمود.

عقب افتادگی تحصیلی دانش‌آموزان ضعیف و  
دیرآموز بندرت ناشی از سستی و تنبلی آنهاست  
بلکه غالباً "ناشی از نقائص جسمانی و بی-  
کمبودهای فرهنگی محیطی است که در آن پرورش  
یافته‌اند.

زهرا حجازی



معمولا " دانش آموزانی تیزهوش شمرده می - شوند که باکنجکاوی وافر و درک سریع مطالب در زمینه‌های مختلف درسی نسبت به سایر شاگردان کلاس برتری محسوسی از خود نشان می‌دهند . گاهی نیز ممکن است کودکی فقط در یکی از زمینه‌های درسی یا هنری درخشش و برجستگی خاصی داشته واز نیروی خلاقیت در آن زمینه برخوردار باشد .

از آنجا که ظاهرا " بنظر می‌رسد این قبیل شاگردان احتیاج چندانی به رسیدگی و مراقبت ویژه معلم ندارند و خودشان از عهده کارها بر می‌آیند برخی از معلمان وقت زیادی صرف آنان نمی‌کنند و غالباً " این کودکان را به امید خود رها می‌کنند . در بسیاری از کلاسها وقت این نوع کودکان تلف می‌شود . بدین ترتیب که در اوائل زنگ کار خود را انجام می‌دهند و یا مطلب درسی را بمحض اینکه معلم توضیح داد می‌فهمند و بقیه ساعت درسی را با بیحوصلگی در انتظار پایان کار بسر می‌برند . کودکان تیزهوش گاهی در افسردگی و بی‌حوصلگی دست به رفتاری می‌زنند که به جلب توجه سایر شاگردان و یا به ایجاد مسائل انضباطی منتهی می‌گردد .

بعضی اوقات این قبیل کودکان از ترس اینکه مبادا در نظر شاگردان کلاس متفاوت بنظر آیند ، استعداد عظیم و قدرت خلاقه خود را پنهان می‌دارند . قبلاً " در کلاس ، از طرح سئوالاتی که بذهنشان می‌رسد خودداری می‌کنند ، کارهای درسی خود را با عجله و بدون صرف وقت کافی

انجام می‌دهند و از انجام کارهای سازنده بخصوص در زمینه‌های هنری خودداری می‌ورزند زیرا باهوش سرشار خود حس می‌کنند بچه‌ها غالباً " افرادی را به عنوان دوست و عضو گروه خود می‌پذیرند که رفتار و حرکاتی مانند آنان داشته باشند . بدین ترتیب برخی از این دانش آموزان برای پذیرفته شدن در گروه هم‌رتب جماعت می‌شوند .

باید دانست کودک، تیزهوش نه تنها به عنوان یک دانش‌آموز حق دارد به میزان هوش و استعداد خود از برنامه‌های آموزشی خاصی استفاده کند بلکه بخاطر اثری که در پیشرفت و خودکفایی جامعه خواهد داشت و نیازی که هر جامعه به افراد اندیشمند و خلاق دارد لازم است روی او سرمایه گذاری شده تجربیات آموزشی مناسبی برایش فراهم گردد . بدین ترتیب چنین کودکی خواهد توانست معلوماتی غنی در زمینه های مختلف علمی بدست آورد و قدرت خلاقیت خود را پرورش دهد .

برای کمک به کودکان تیزهوش و تسریع آموزش آنان روشهای بسیاری وجود دارد مثلاً " ورود به مدرسه قبل از هفت سالگی ، جهش تحصیلی ، برخورداری از کلاس یا آموزش ویژه آموزش انفرادی با تحصیل در مدارس کودکان تیزهوش و غیره که هر کدام دارای جنبه‌های مثبت و منفی می‌باشند . اما بهر حال چنانچه معلم کلاس علاقمند به پیشرفت این قبیل شاگردان باشد حتی در همین کلاسهای عادی نیز می‌تواند خارج از چهارچوب کتب و برنامه‌های درسی ، با دادن حواستخاب ، باعنی کردن محتوای آموزشی ، با گروه بندی آنان در برخی از دروس و فراهم

آوردن فرصتهائی برای تحقیق و کسب تجربیات جدید ، به آنان اجازه دهد محتوای دروس را بیشتر شکافته و با تسلط کافی در هر یک از موضوعات درسی استعداد های خود را به بهترین وجهی پرورش دهند . بطور مثال اگر قرار است دانش آموزان کلاس چهارم دبستان با موضوع شهرنشینی آشنا شوند ، معلم می تواند منابع اضافی در اختیار کودک تیزهوش قرار دهد و او را تشویق کند تا با انجام کارهای اضافی مانند

فرصتهائی فراهم آورد که تحت برنامه ای حساب شده بتوانند در مدرسه یا محله ای که مدرسه در آن واقع است خدماتی انجام دهند .

یکی دیگر از فعالیت های که کودکان تیزهوش می توانند بخوبی انجام دهند کمک به پیشرفت درسی شاگردان ضعیف کلاس است . البته این کار باید زیر نظر و با مراقبت و راهنمایی معلم کلاس انجام گیرد تا کودک تیزهوش از موقعیت خود سوء استفاده نکند و رفتار سلطه آمیز و خشنی



تهیه ماکت ، روزنامه دیواری ، نقاشی ، سرو دهن شعرو سخنرانی در کلاس ، نه تنها به اطلاعات و دانش خود بیفزاید بلکه برنامه کلاس را نیز با فعالیت خود غنی تر سازد . به چنین کودکانی می توان فرصتهائی برای تمرین رهبری و مسئولیت اداره کلاس و مدرسه را داد ، به شرکت در کارهای فوق برنامه تشویقشان کرد و بی

با شاگرد ضعیفتر از خود نشان ندهد . به این نکته نیز باید توجه داشت که این کودکان از انجام مسئولیت های که به عهده سایر شاگردان است به بهانه اینکه فقط فعالیت های ذهنی مناسب آنان است معاف نگردند زیرا کودکان تیزهوش نیز لازم است مانند سایر شاگردان به انجام هم

فعالیت‌هایی که برای رشد بدنی، اجتماعی و عاطفی آنان لازم است بپردازند بنابراین باید در تمام فعالیت‌های مربوط به کلاس و مدرسه با سایر شاگردان سهیم باشند. بدین ترتیب تحت نظارت و راهنمایی معلمی که همه جوانب را در جهت رشد دائمی دانش آموزان خود در نظر می‌گیرد شاگردان تیزهوش نه تنها در زمینه‌های تحصیلی درخشش چشمگیری از خود نشان می‌دهند بلکه از نظر احساس مسئولیت، همکاری با سایرین، وظیفه‌شناسی، نוע دوستی و... نیز پیشرفت قابل ملاحظه‌ای می‌نمایند.

در پرورش کودکان تیز هوش مسئولیت اولیاء نباید مورد غفلت قرار گیرد زیرا آنان نیز وظیفه دارند هماهنگ و همپای با فعالیت‌های مدرسه در جهت رشد و پیشرفت فرزند خود تلاش نمایند. هرگز نمیتوان انتظار داشت که با وجود کلاس‌های پر جمعیت و وظایف و مسئولیت‌هایی که معلم در قبال تک تک شاگردان خود دارد او بتواند قسمت اعظم وقت خود را صرف پیشرفت دانش آموزان تیز هوش نماید. پدر و مادر کودک تیز هوش سعی کنند با فراهم آوردن فرصت‌های مختلف از قبیل مسافرت، گردش و پیاده روی‌های کوتاه مدت، خواندن کتاب، شرکت دادن کودک در بحثها و گفتگوها و تصمیمات خانوادگی، کمک به او در اجرای کارهای فوق برنامه، استعداد‌های درونی او را به بهترین وجهی شکوفا کنند.

#### معلم و شاگردان متوسط کلاسی

دانش آموزان متوسط معمولاً "به گروهی اطلاق می‌گردد که ظاهراً درخشش چندانی در زمینه‌های مختلف درسی از خود نشان نمیدهند اما

پیشرفت تحصیلی آنان بنحوی است که بهرحال گلیم خود را از آب بیرون می‌کشند. باید دانست بر خلاف آنچه نظر عموم است شاگرد متوسط وجود ندارد و هرگز نباید به گروهی از کودکان که از نظر زمینه‌های جسمی و روحی از یکدیگر متفاوتند و در درون خود نیز استعداد‌های مختلفی دارند بر چسب شاگرد متوسط را الصاق کرد، حتی آزمونه‌های بسیاری نیز که برای ارزیابی هوش و پیشرفت تحصیلی کودکان در سطوح مختلف تهیه شده است هیچیک نمی‌توانند قدرت تخیل، واکنش‌های عاطفی، انگیزه‌ها، علائق و بسیاری دیگر از خصوصیات شخصیتی و توانایی‌های ذهنی فرد را اندازه‌گیری کرده او را جزء گروه برتر، متوسط و یا ضعیف معرفی بدارد. بنابراین هرگز نمیتوان ادعا کرد شاگردی که در درس ریاضیات و ادبیات فارسی همواره نمره‌ای در حد ۱۰ تا ۱۵ می‌گیرد در سایر دروس خود نیز همان نمره را خواهد گرفت زیرا چنانچه در وی انگیزه کافی برای یادگیری بوجود آید خواهد توانست در زمینه‌های مختلف پیشرفت قابل ملاحظه‌ای بنماید. به عبارت دیگر متوسط بودن دانش آموز وعدم پیشرفت کافی وی شاید بخاطر کمبود انگیزه‌ها و یا محیط خشک و یکنواخت کلاس و مدرسه باشد این قبیل دانش آموزان معمولاً "از استعداد‌های متفاوتی برخوردارند که برای شناخت و شکوفائی آنها به توجه بیشتر اولیاء خود و معلم کلاس نیازمندند. برخی از معلمان متأسفانه توجه چندانی به این شاگردان که به هر حال به‌پیش می‌روند و با نمره‌های درحد متوسط قانعند نشان نمی‌دهند و تصور می‌کنند که حداکثر وقت معلم باید صرف رسیدگی به دانش آموزانی گردد که

مختلف پرورش دهد .

البته کمک و رسیدگی به این قبیل کودکان کار چندان آسانی نیست اما معلمان کار آرموده که به حرفه خود مسلط باشند و روش کار و برخورد با این نوع دانش آموزان را بدانند در پیشرفت و در سازگاری اجتماعی آنها نقش مؤثری خواهند داشت .

اولین قدم معلم علاقمند در جهت پرورش کودکی که عقب ماندگی تحصیلی دارد تشخیص علل ضعف و ناتوانی اوست . پس از آن باید اقداماتی در جهت رفع کمبودهای وی به عمل آورد .

شکست تحصیلی کودک گاه در اثر عوامل خاصی مانند نقائص جسمانی ، مشکلات عاطفی ، کمبود انگیزه یا غفلت و بی توجهی معلم سابق اوست . در این صورت می توان با بهره گیری از کمک های خانواده و امکانات مدرسه در فراهم آوردن کمک های پزشکی ، مشاوره ای ، کاراضافی با شاگرد آسان ساختن مفاهیم درسی برای او و مقداری از مشکلات کودک راحل کرد .

شکستهای تحصیلی گاه ممکن است ناشی از فقر فرهنگی و مادی خانواده و محیط نابسامانی باشد که دانش آموز در آن پرورش می یابد . در میان این قبیل کودکان افرادی هستند که به علت عدم برخورداری از تجربیات کافی در خانواده رفتاری از خود نشان می دهند که به خصوص در اوائل شروع مدرسه مانع برقراری روابط دوستانه آنها با همسالان شان می گردد و دیگران را نسبت به آنها بدبین و حتی گریزان می کند . در اینجا وظیفه معلم است که برای کمک به رفع کمبودهای کودک دست به یک سلسله فعالیت های جبرانی بزند ، تجربیات غنی آموزشی برای آنان فراهم کند و با صحبت

مشکلات تحصیلی و اجتماعی دارند در حالیکه هر کودک در هر گروهی که قرار گرفته باشد حق دارد از حداکثر امکانات آموزشی و رسیدگی و توجه معلم برخوردار باشد و فرصتهای در اختیارش قرار گیرد تا بتواند در محیطی صمیمی و پرتفاهم آزادانه و به همراه سایر همسالان خود به فعالیت و یادگیری و پرورش استعداد های ویژه خود بپردازد .

### معلم و طرز کار با شاگردان ضعیف و دیرآموز

دانش آموزان ضعیف که برخی از افراد ندانسته لقب تنبل به آنان می دهند کودکانی هستند که با رفتار و حرکات نامطمئن ، عدم اعتماد بنفس ، کمبود پیشرفت تحصیلی و گاهی نیز با رفتار نامناسب خود در کلاس جلب توجه می نمایند . باید دانست که عقب افتادگی تحصیلی این قبیل دانش آموزان بندرت ناشی از سستی و تنبلی آنهاست بلکه غالباً ناشی از زمینه های خانوادگی و نقائص جسمانی و یا فرهنگ فقیر محیطی است که در آن بزرگ شده اند . بنابراین روشهای معمول مانند سرزنش ، تحقیر ، تنبیه و بخصوص اعمال آموزشی یکسان در کلاس به از دست دادن اعتماد بنفس و احساس شکست و ناامیدی در آنان منجر می گردد زیرا این دانش آموزان قبل از هر چیز نیازمند تفاهم و همدردی معلم خود می باشند تا با قبول آنان و ایجاد محیطی امن و مناسب و فراهم آوردن فرصتهای مختلف و بهره گیری از همه امکانات موجود برای کسب تجربه به آنان اجازه دهد از حضور در کلاس و در جمع همسالان خود لذت برده استعدادهای خود را در زمینه های

مداوم و وادار کردن این قبیل دانش آموزان به سخن گفتن و بیان احساسات و عواطف ، آرزوها و ناکامیهای خود به پیشرفت کلامی و طرز سخنگویی آنان کمک کند ، به اطلاعات و معلوماتشان در زمینه های مختلف بیفزاید ، به پرورش قدرت تفکر در آنها کمک کند واز همه مهمتر انگیزه هایی برای یادگیری در آنان ایجاد نماید .

معلم کلاس باید تشخیص دهد که این کودکان بیش از آنچه به مهارتهای آموزشی مانند خواندن و نوشتن نیازمندند محتاج فرصتهایی هستند که بتوانند روابط سالم و تفریحی با دیگران برقرار کنند ، عادات و گرایشهای مثبتی در آنان ایجاد شود ، نظم و ترتیب در کارشان پدید آید و رفتار آنها مورد اصلاح قرار گیرد . علاوه بر آن لازم است این کودکان نسبت به خود شناخت و آگاهی پیدا کنند و توانائیهای خود را بشناسند و آنها را پرورش دهند . نقاط ضعف و کمبودهای خود را بشناسند و در رفع کمبودها قدم بردارند و بطور کلی انگیزه های برای کار و فعالیت در آنها ایجاد شود .

با اینکه تماس با خانواده دانش آموز و هماهنگ کردن کوششهای مدرسه با آنچه خانواده برای پیشرفت کودک انجام می دهد بسیار مؤثر است اما متأسفانه برخی از این کودکان از داشتن یک خانواده کامل و محیط سالم بی بهره اند . به هر حال تماس با افرادی که از دانش آموز نگهداری می کنند و راهنمایی آنان بطور قطع در بهبود وضع کودک مؤثر خواهد بود . این دسته از دانش آموزان مانند کودکان گروه اول گاه نیازمند معاینات پزشکی ، تغذیه بهتر ، پوشاک مناسب تری هستند و لازم است از امکانات مدرسه و حسن نیت اولیاء خیرخواه سیردانش آموزان برای

فراهم نمودن ضروریاتی که جهت آموزش و پرورش آنان لازم است بهره گرفت . نکته دیگر اینکه گاهی با وجود عدم پیشرفت در امر تحصیل اگر این قبیل دانش آموزان مورد کمک و راهنمایی معلم و تاءید و تشویق وی قرار گیرند موفق خواهند شد که در زمینه های دیگری پیشرفت نمایند و استعداد های خود را شکوفا کنند بطور مثال ممکن است در زمینه کارهای هنری یا مهارتهای جسمانی و سایر زمینه ها پیشرفت چشمگیری داشته باشند .

و با بارسیدگی صحیح خواهند توانست با حرفه ها و مهارتهای مختلفی آشنا شده بتدریج آماده گردند تا پس از ترک مدرسه به حرفه مورد علاقه خود بپردازند و به کفایت اقتصادی برسند . بنابراین در آموزش این قبیل کودکان بخصوص اگر در زمینه های درسی نمی توانند موفقیت چندانی کسب نمایند به جنبه های عملی آموزش و پرورش باید بیشتر توجه نمود و به کمک فعالیتها و برنامه های آموزشی آنان را به سوی مشاغل مورد علاقه خود راهنمایی کرد . در هر حال مهمترین مؤثرترین کوشش معلم در برخورد با مساله تفاوت های فردی دانش آموزان این است که بتواند محیطی پرتفاهم ، سالم ، غنی و خالی از تهدید در کلاس خود بوجود آورد که هر دانش آموز صرف نظر از استعداد و توانائیهای خود احساس کند انسانی ارزشمند و قابل احترام و مورد تاءید و قبول معلم و همکلاسه های خود می باشد . تنها در این صورت است که معلم کلاس در ایجاد شخصیت سالم در دانش آموزان خود پرورش استعداد های آنان موفق خواهد بود .

